

رسالت مبلغان در اتحاد اسلامی

حسین کوهستانی
عضو حلقه علمی بلاغ
دانش پژوه دوره عالی فرهنگ و تربیت اسلامی

چکیده: یکی از مقاصد و اهداف بزرگ شرایع و انبیای الهی (علیهم السلام) توحید کلمه است تا از تفرقه و فساد جامعه انسانی و تخریب مدینه فاضله جلوگیری کند. از این رو، مسلمانان در دست‌یابی به این هدف بزرگ و به منظور تجدید عظمت اسلام، مأمور به دوستی، مواصلت، نیکویی به یکدیگر، مودت و اخوت هستند.

در این اثر، نویسنده بر آن است تا با در نظر گرفتن جایگاه تبلیغ و اطلاع‌رسانی در جهان امروز و رسالت با عظمت مبلغان دین در این عرصه با بررسی مفهوم اتحاد، مبانی و ضرورت آن و مباحثی دیگر، نقش بایسته مبلغان در ایجاد بستر مناسب به منظور تحقق وحدت و همبستگی اسلامی و حفظ آن را به بیان آورد.

کلید واژگان: اتحاد اسلامی، تفرقه، اسلام، مبلغ، اصلاح، انسجام اسلامی.

دیباچه

از آغاز تاریخ و خلقت انسان، همواره دو راه با دو سیاست کاملاً جدا و متضاد جریان داشته است؛ یکی صراط مستقیم یا سیاست الهی بر پایه توحید و همبستگی با رهبری پیامبران، ائمه اطهار (علیهم السلام) و عالمان راستین و دیگری سیاست طاغوت بر پایه شرک، تفرقه و جدایی، به رهبری شیطان و زمامداران طاغوتی.

به همان اندازه که بقای حکومت اسلامی و مردمی به توحید و همبستگی مردم بستگی دارد، حیات حکومت‌های طاغوتی و استعماری هم به تفرقه و جدایی میان مردم

وابسته است؛ چنان که فرعون، نماد زمامداران طاغوت، با این سیاست بر مردم سلطنت و گردنکشی می کرد که قرآن به گونه ای از سیاست او یاد می کند؛ آنجا که می فرماید: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا...﴾^۱؛ «فرعون در زمین به گردنکشی پرداخت و در میان مردم افتراق و پراکندگی ایجاد کرد».

امروز استعمارگران شرق و غرب با سیاست شیطانی «فَرَّقَ تَسُدَّ» «تفرقه بینداز و آقایی کن» می کوشند تا با تبلیغات وسیع خود، توحید و همبستگی مسلمانان را که سنگ زیرین اسلام است، از بین ببرند و میان مسلمانان شیعه و سنی تفرقه و جدایی اندازند و ایشان را چنان به جنگ و جدال درگیر کنند تا فرصت فکر کردن و مبارزه با چپاولگران را نیابند. چنان که می بینیم چگونه با تبلیغات فراوان خود، شیعیان را برای برادران اهل سنت به گونه ای معرفی می کنند که گویا قرآنی غیر از قرآن موجود دارند، خدا و پیغمبرشان حضرت علی علیه السلام و حجتان کربلا و نجف است، به آخرت عقیده ندارند، ائمه علیهم السلام را می پرستند و برخاکشان سجده می کنند. از سوی دیگر اهل سنت را دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام معرفی می کنند و تهمتها و نسبتهای گوناگون به آنها می بندند. متأسفانه مسلمانان جهان در اثر بی اطلاعی از یکدیگر و وجود تصورات بی اساس نسبت به همدیگر - که همه اش با تبلیغات سوء سردمداران کفر و الحاد ایجاد شده - همواره در جنگ و جدال با یکدیگر به سر می برند. گاهی در یک شهر زندگی می کنند ولی از همسایگان هم کیش خود بی اطلاعند و درصدد تحقیق هم نیستند که آیا واقعاً قرآن شیعیان و حج آنان غیر از قرآن و حج اهل سنت است یا نه؟

تمامی ابهامهای موجود در مسیر وحدت و اتحاد جهان اسلام تنها به دست توانای مبلغان راستین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله - که بلندگوی اسلام و منادیان حق و حقیقت و ادامه دهندگان راه انبیای عظام هستند - با تبلیغات دقیق، حساب شده، فراگیر، گسترده و مستمر همراه با اصول و موازینی که کاملاً منطبق بر واقعند (اطلاع رسانی دقیق و منطبق بر واقع) قابل رفع است، زیرا خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم^۲، رسالت با عظمت و ارزشمند برقراری وحدت و مبارزه با شرک و اختلاف در میان مردم را بر دوش انبیای عظام و ائمه اطهار علیهم السلام نهاده و به دنبال آنها مبلغان بزرگ و راستین اسلام اعم از شیعه و سنی، همواره مشعلدار اتحاد بوده و پیوسته کوشیده اند تا

۱. قصص/۴.

۲. ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ﴾ «مردم امت واحدی بودند که خداوند پیامبرانی مژده آور و هشداردهنده برانگیخت و با آنان به حق، کتاب فرو فرستاد کردند، حکم کنند» (بقره/۲۱۳).

تفرقه‌ها و جدایی‌ها را که سیاستهای طاغوتی و ایادی استعمار ایجاد کرده‌اند، با حفظ کیان طرفین به اتحاد و همبستگی تبدیل کنند^۱.

اهمیت و ضرورت وحدت و انسجام اسلامی

در عصر حاضر که دشمنان در پی تضعیف وحدت کلمه و دامن‌زدن به اختلافهای مذهبی مسلمانان هستند، با توجه به دو مسئله، ضرورت وحدت مسلمانان کاملاً روشن می‌شود:

نخست اینکه امروز امت مسلمان با چالشهای بزرگی روبرو است؛ از جمله این چالشها، جهانی‌سازی است که سعی در غربی کردن روابط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مسلمانان و به عبارت دیگر، تسلط کامل غرب بر جهان اسلام دارد. این همان چالشی است که جهان اسلام آن را «شبیخون فرهنگی» نامیده است. دوم، مسئله سکولاریسم، یعنی «جدایی دین از سیاست» است که دشمنان همواره آن را در جهت رسیدن به اهداف شیطانی و پلید خود در دستور کار داشته و با این ترفند، مشکلات فراوانی در مسیر اتحاد و انسجام جهان اسلام ایجاد کرده‌اند. وجود چالشها از یک سو و فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر که کشورهای اسلامی گریبانگیر آن هستند، اقتضا می‌کند که امت اسلامی برای رسیدن به یک مقام برتر تمدنی تلاش کند تا بتواند در مسیر تمدن انسانی سهیم باشد. امت اسلامی که قرآن کریم آنها را شاهد، الگو و بهترین امت اعلام کرده است، برای تحقق این خواسته‌ها، راهی جز وحدت و انسجام اسلامی ندارد و اگر جهان اسلام به چنین وحدتی نرسد، به ملتی عقب مانده و قربانی تهاجم ملتها تبدیل می‌شود.

مفهوم اتحاد

برای روشن شدن این موضوع مهم، شایسته است به بیان بسیار متین شهید مرتضی مطهری (ره) در این باره، اشاره کنیم:

«مقصود از وحدت اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی، یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود؟ یا مقصود این است که

۱. شیخ محمد شلتوت، رئیس سابق الازهر، ر.ک: محمدرضا حکیمی، مشعل اتحاد؛ علامه اقبال لاهوری، ر.ک: محمدرضا حکیمی، مشعل اتحاد؛ سید جمال‌الدین اسدآبادی، ر.ک: محمد محیط طباطبایی، سید جمال‌الدین و وحدت اسلامی؛ آیت‌الله طالقانی؛ علامه امینی، ر.ک: مرتضی مطهری، علامه امینی و وحدت اسلامی؛ سید الدین، ر.ک: محمدرضا حکیمی، سید عبدالحسین شرف‌الدین و وحدت اسلامی؛ امام خمینی.

مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا اینکه وحدت اسلامی به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمانان، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافهای مذهبی، در برابر بیگانگان است؟ بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها - که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست، بلکه منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمانان است در یک صف، در برابر دشمنان مشترکشان...»^۱.

انواع وحدت

متن مشترک ادیان توحیدی ابراهیمی، بر پایه «اعتقاد به وجود خداوند یگانه، مبدأ و مقصد حرکت انسان در وصول به کمال، قرار دهنده عقل و وجدان در ذات انسانها و فرستنده پیامبران الهی برای ارشاد مردم» تدوین شده است. عناصر شخصیت واحد جوامع اسلامی، یا اجزای هویت واحد امت اسلامی در همین اعتقادات خلاصه می شود که با ورود اختلال در هر یک از این عناصر یا اجزاء، شخصیت یا هویت واحد نیز به همان نسبت مختل می شود. با این بیان، انواع وحدتی که برای امت اسلامی متصور است را، می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. وحدت مطلق

عبارتست از اتفاق نظر در همه عقاید، معارف و احکام اسلامی با همه اصول و فروع آنها.

۲. وحدت مصلحتی عارضی

آن نوع اتفاق نظری که برآیند جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین است و با از بین رفتن آن عوامل، نیز منتفی می شود و به تناسب کاهش یا افزایش نیروی آن عوامل، میزان این اتحاد موقت و مصلحتی نیز کاهش یا افزایش می یابد.

۳. وحدت معقول

عبارتست از قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و پرهیز از عقاید شخصی نظری، فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به

۱. «الغدیر و وحدت اسلامی»، یادنامه علامه امینی، ص ۲۴۲-۲۳۱.

هریک از اجزای متن کلی دین که مربوط به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی است. تحقق این نوع وحدت هیچ مانع شرعی و عقلی ندارد.

مبنای وحدت امت اسلامی

منشأ حقیقی وحدت امت اسلامی، دین اسلام است. این منشأ، ریشه در فطرت سلیم انسان که خداوند متعال در نهاد همه جوامع به ودیعه نهاده است، دارد. بنابراین، مبنای وحدت امت اسلامی، باید مستند به همان دین فطری انسانی باشد که همه پیامبران الهی آن را به بشریت رسانده‌اند و متن کامل آن پس از حضرت نوح علیه السلام و پیامبران پیشین به دست حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام ابلاغ شده است، به طوری که یهودیت و مسیحیت خود را وابسته به آن می‌دانند.

با توجه به آنچه گذشت و همچنین با در نظر داشتن اهداف مبّلمان^۱ و استراتژی و اصول آنها^۲ در عرصه تبلیغ، و مبنای وحدت در قرآن کریم^۳، مبّلمان، با انجام برخی اصلاحات ویژه در جامعه اسلامی و جهان اسلام به منظور نیل به هدف بنیادین مکتب اسلام یعنی «وحدت و انسجام اسلامی» می‌توانند بهترین، با ارزش‌ترین و بزرگ‌ترین نقشها را ایفا کنند.

دکترین^۴ مبّلمان بزرگ اسلام، در جهت اصلاح جوامع انسانی و اسلامی و ایفای نقش در تحقق آمال و آرمان دیرینه مسلمانان سراسر جهان، یعنی اتحاد جهان اسلام که در قرآن، پیمانی الهی با انبیا شمرده شده است، می‌تواند بر دو رویکرد عمده استوار باشد:

الف) استراتژی^۵ وحدت اسلامی؛

۱. اهداف تبلیغ برگرفته از قرآن عبارت است از: دعوت به توحید و قسط، دعوت به ایمان به جهان غیب، دعوت به معاد، دعوت به مکارم اخلاقی، دعوت به تعلیم و تعلم، دعوت به انقلاب درونی و ...
 ۲. اصول تبلیغ برگرفته از قرآن عبارت است از: رهبری و هدایت مردم، خدامحوری، سازندگی فردی و اجتماعی، مبارزه با شرک و ستم و خرافه، پیوند با مردم، بصیرت و تفکر و ...
 ۳. مبنای وحدت در قرآن عبارت است از:
 - الف) توحید و تعالیم انبیای الهی (شوری/۱۳-۱۵؛ بقره/۲۱۳؛ یونس/۹؛ نحل/۲۴؛ هود/۱۱۰)؛
 - ب) ولایت خدا و رسول و اولی الامر (انعام/۱۳-۱۴؛ یونس/۳۵ و ۲۸؛ ممتحنه/۴-۵؛ مائده/۵۵)؛
 - ج) قسط و عدل و امر به معروف (ممتحنه/۸؛ توبه/۷۱)؛
 - د) توبی و تبری (ممتحنه/۹ و ۴؛ مائده/۷ و ۵۶؛ فتح/۲۹؛ نساء/۸ و ۱۳۷)؛
 - ه) اعتصام به حبل الله (آل عمران/۱۱۰ و ۱۳۰؛ مریم/۳۶؛ زخرف/۴۴؛ نساء/۱۷۵؛ حج/۷۸).
 ۴. دکترین تبلیغ به همه ساز و کارها و فرایندهایی گفته می‌شود که یک مبلغ و یا مبّلمان، برای رسیدن به وحدت اسلامی از آن بهره می‌برند.
- استراتژی در مقابل تاکتیک به معنای آمادگی و برنامه‌ریزی بلندمدت، دوربردتر و گسترده است (دیوید رابرتسون،

ب) تاکتیکهای^۱ رسیدن به اهداف وحدت اسلامی.

رویکرد نخست: (استراتژی وحدت اسلامی)

در این رویکرد، مبلغان در حیطه‌ها و سطوح مختلف با عناصر و مؤلفه‌های سازنده هر سطح که کاملاً منطبق بر موازین اسلام و قرآن است، می‌توانند ایفای نقش کنند، لذا سعی بر این است که ابعاد و سطوح مورد نظر با توجه به میزان کارکردشان در تحقق این مهم، به ترتیب و اختصار مورد بررسی قرار گیرند.

الف) سطح فکری و اندیشه‌ای (ایدئولوژیکی)^۲

سطح فکری به دلایلی در درجه نخست اهمیت و ضرورت قرار دارد، زیرا از عناصر و مؤلفه‌های ارزشمندی تشکیل شده که در واقع، نوعی بازگشت به اصول است؛ اصولی که طی قرون متمادی از نظر دورافتاده و یا در گذر زمان به‌علاّت کم‌توجهی، دست‌خوش انحراف و بدعت شده‌اند.

بازگرداندن جامعه اسلامی به اصول - که بی‌شک در طول تاریخ اسلام رمز عزّت و عظمت اسلام بوده - و پایبند نمودن آنها به این اصول و پاکسازی اصول از هرگونه تحریف و بدعتی، از رسالت‌های خطیر و بزرگ مبلغان به شمار می‌رود. همان چیزی که مبلغان بزرگی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، علامه امینی، عبدالحسین شرف‌الدین، حضرت امام خمینی (ره) و... بر آن تأکید ویژه داشته‌اند و هر کدام، با تکیه بر این اصول، در جایگاه خود، زمینه تجدید، عظمت و عزّت اسلام ناب محمدی را فراهم کرده‌اند. برای مثال سید جمال، در سده‌های اخیر پس از زمینه‌سازی و بسترسازی^۳ در جهت انسجام اسلامی و وحدت جهان اسلام، از راه بازگشت به اصول

فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، ص ۱۲۲، نشر البرز.

۱. تاکتیک در لغت یعنی فن حرکت دادن سربازان و به کار انداختن نیروهای نظامی در جنگ. (حسن عمید، فرهنگ فارسی، ص ۳۶۸) و در اصطلاح به معنای روی آوردن به شکل‌های بدیع در روند اصلاحات است که در اینجا به مفهوم چریانی مستمر از تغییر رویکرد برای رسیدن به هدفی از پیش تعیین شده است (دیوید رابرتسون، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، ص ۱۲۲).

۲. ایدئولوژی مجموعه‌ای کامل و هماهنگ از نگرش‌ها و دیدگاه‌های اخلاقی، اعتقادی، تجربی و حتی قواعد و استدلال منطقی و آزمون علمی است. آنچه در اینجا مدنظر مبلغان است، مجموعه عقاید دینی است که می‌توان آن را «دین» نامید. ایدئولوژی یعنی: دین‌باوری و فهم دینی و استفاده تاکتیکی از مفهوم دین جهت رسیدن به اهداف بلند اسلام. (همان، ص ۱۵۳).

۳. سید جمال پس از ترسیم موقعیت مسلمانان صدر اسلام و مقایسه آنها با مسلمانان زمان خود، راه نجات امت اسلامی از تفرقه و اختلاف را بازگشت به اسلام و عمل به دستورات حیات‌بخش آن می‌داند. ایشان می‌فرماید:

«اسلام» راه تحقق آنها را در دو چیز می‌بیند:

۱. معرفی چهره حقیقی اسلام؛

۲. پیرایش اسلام از انحرافها و بدعتها.

مخفی نماند که اگر چنین مبلغانی در جهان اسلام نبودند، معلوم نبود تاکنون چه بر سر اسلام و جامعه اسلامی و مسلمانان جهان آمده بود. با این وجود، باز هم آنچنان که شایسته و بایسته است، آن اتحادی که بتواند دشمنان نابکار و قسم‌خورده اسلام و مسلمانان را ناکام کند، حاصل نشده است؛ لذا هر روز شاهد جنایتهایی وحشتناک در کشورهای اسلامی از ناحیه سردمداران کفر و الحاد هستیم.

عناصر و مؤلفه‌های سطح فکری و ایدئولوژیکی

۱. توحیدباوری (شرک‌ستیزی)

قرآن بر اساس شعار محوری توحید، بعد از نفی و نهی از علل و عوامل تفرقه‌افکن^۳، مؤمنان و مسلمانان را به توحید و یگانگی و وحدت و اتحاد دعوت می‌کند؛ از این رو، یکی از اهداف مهم رسالت انبیای الهی را جلوگیری از تفرقه و اختلاف می‌داند^۴. آشکار است که نفی همه معبودها و مبارزه با آنها، مبارزه با موانع وحدت است. با رفع آن موانع، زمینه برای عبودیت حق و اطاعت خدای یگانه فراهم می‌شود. پرستش خدا و بندگی او سرچشمه وحدت و یگانگی، دوستی و محبت و مودت میان مؤمنان و مسلمانان است، همچنان که، خارج شدن از مسیر فطرت توحیدی و بندگی خداست که بذر نفاق، تفرقه و اختلاف را در میان جامعه اسلامی، می‌پاشد و زمینه انحلال و

«مسلمانان نخستین، با اینکه اندک بودند، در سایه عمل به تعالیم حیات‌بخش آن [اسلام]، در مدت یک قرن، از جبال آلپ تا دیوار چین پیش رفتند و خسروان ایران و قیصران روم را به خاک مذلت نشانند و...» (سید جمال‌الدین اسدآبادی، رساله نیچریه، ص ۵۱ و ۵۲).

۱. به اعتقاد سید جمال، اسلام با تعالیم حیات‌بخش خود، مانند شرک‌ستیزی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌محوری و... در ذات و جوهره خود، توانایی هدایت و ارشاد و اداره جوامع انسانی را برای همیشه دارد؛ چرا که به تمام زوایا و ابعاد مختلف زندگی انسان ز گهواره تا گور توجه نموده است؛ از این رو نخستین گام بازگشت به اسلام را معرفی درست آن از جانب مبلغان دینی می‌داند. بر این اساس، همواره آنها را به فهم درست اسلام و معرفی آن دعوت می‌کند؛ از این رو، می‌بینیم که خودش نیز با تمام قدرت در پی آن بوده که جامعیت، قدرت و توانایی آن را برای نجات مسلمانان از انحطاط و اداره آنها در هر عصر به اثبات رساند (همان، ص ۷۹، صدر و اتقی، سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، ص ۳۸۱).

۲. آل عمران/۶۴.

۳. بقره/۳۴ و ۲۰۸؛ اعراف/۱۲؛ مجادله/۱۹؛ انعام/۱۱۲-۱۱۳، ۱۱۴-۱۲۱؛ شعراء/۹-۱۰؛ مؤمن/۲۳-۲۵؛ سبأ/۳۴-۳۵؛ توبه/۳۴؛ قصص/۴؛ ممتحنه/۱-۹؛ آل عمران/۲۸، ۱۴۹ و ۱۵۰؛ نساء/۸۹، ۱۱۵-۱۱۹، ۱۳۹؛ مائده/۸۱-۷۸ و... . شوری/۱۳ و ۱۵ و... .

سقوط آنها را فراهم می‌کند.

لازم به ذکر است که قرآن کریم در تأیید و تأکید بر مسئله وحدت به‌گونه‌ای اجابتی، اثباتی و امری، با تعبیر^۱ مختلف بر آن تأکید کرده و گرد محور توحید به تحلیل و تجویز آن می‌پردازد.

۲. عدالت‌محوری

(دعوت به قسط، عدل و معارف ارزشمند اسلام و نهی از منکرات)

قرآن کریم با تعبیری چون «صلح»، «اصلاح»، «اصلاح بین الناس»، «اصلاح ذات البین»، «سلم»، «مسالمت» و ... مؤمنان و مسلمانان را به روابط حسنه و تفاهم‌آمیز، جهت زمینه‌سازی وحدت و همبستگی جهان اسلام دعوت می‌کند.^۲ همچنین به برقراری صلح میان دو طایفه در حال جنگ از مؤمنان و حکم و قضاوت بین آنها بر مبنای عدل و قسط دستور می‌دهد؛ آن قسط و عدلی که نسبت به غیر مسلمانان نیز مانند مؤمنان باید رعایت شود.^۳

از دیدگاه قرآن کریم، معارف ارزشمند اسلام از جمله عدل، قسط و... و ترویج آنها در جامعه از عوامل اساسی تحقق وحدت جامعه اسلامی به شمار می‌روند. البته تنها با ولایت خدا و رسول و اولی الامر (حاکمیت اسلامی) چنین چیزی امکان‌پذیر است؛ بنابراین مسلمانان به جای تنازع و خصومت با یکدیگر باید به تعاون و همیاری در امور خیر و نیکو برخیزند؛ همان چیزی که خداوند تبارک و تعالی در قرآن به روشنی بیان می‌کند.^۴ بر این اساس، سید جمال در نخستین مرحله از برنامه‌های اصلاحی خویش، کوشش‌های بسیاری برای احیای تفکر ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در میان مسلمانان انجام داد و فعالیت‌هایش را بر محور ارزشمند الهی متمرکز و استوار کرد. آن محورها عبارت است از:

۱. نفی سلطه غیر الهی؛

۱. آل عمران/۱۹؛ بقره/۲۱۳؛ یونس/۱۹؛ زخرف/۶۱-۶۵.

۲. بقره/۱۱، ۲۰۸، ۲۲۴، ۲۳۰؛ نساء/۱۱۴؛ انفال/۱؛ اعراف/۱۷ و ۱۷۰؛ هود/۱۴۳ و ۱۷؛ هود/۱۷ و ۸۸؛ حجرات/۹-۱۰.

۳. ممتحنه/.

۴. مائده/۲.

۵. سید جمال، معتقد است کلمه مبارکه «لا اله الا الله» پیام آور نفی سلطه غیر الهی است و معتقدان راستین به این اصل به سلطه غیر رضایت نمی‌دهند (سید جمال الدین اسدآبادی، «وحدت و بزرگی»، العروة الوثقی، ص ۱۰۳؛ نیز، العروة الوثقی، به کوشش هادی خسروشاهی، ص ۱۴۳).

۲. نهی از اعتماد به بیگانگان^۱؛
۳. تأکید بر برپایی عدالت و سپردن امور مسلمانان به افراد لایق^۲؛
۴. یادآوری وعده‌های راستین الهی در تحقق عزت و سربلندی اسلام و مسلمانان^۳؛
۵. تأکید بر لزوم آمادگی رزمی، فداکاری و استقامت در راه هدف^۴؛
۶. معرفی عوامل بازدارنده مبارزه (ترس و وهم) و عوامل تقویت‌کننده مبارزه (امیدواری به رحمت حق)^۵.

۳. قرآن باوری (دعوت به مقاصد و دعوت‌های قرآنی)

در جهان مملو از تشنج، اضطراب، خیانت و جنایت امروز، تنها جریان معنوی انسان‌ساز که می‌تواند سعادت و رستگاری جامعه انسانی را در تمامی ابعادش تضمین کند، جریان اسلام است. با آغاز این جریان و نوع بستری که اسلام در آن قرار گرفته و همچنین فاصله

۱. سید جمال، فرجام ناخوشایند تکیه بر بیگانگان را از قول خداوند تبارک و تعالی گزارش می‌کند. محتنه/۱؛ آل عمران/۱۱۸ (سید جمال الدین اسدآبادی، «اسباب حفظ الملک»، العروة الوثقی، ص ۱۴۸-۱۵۷ و ۱۸۴)؛ بقره/۵۷ (سید جمال الدین اسدآبادی، «ملت و سلطه حاکم مستبد»، العروة الوثقی، ص ۱۳۷-۱۳۸ و ۱۷۱-۱۷۲).
 ۲. سید جمال در مقام ناصحی دلسوز، کشورهای اسلامی را با رعایت انصاف و قرار دادن هر چیزی در جای مناسب خویش و سپردن امور کشور به کارگزارانی شایسته، سفارش کرده است و با استناد به آیه ۲۶۹ سوره بقره معتقد است، عدل عامل استواری عالم است (سید جمال الدین اسدآبادی، «اسباب حفظ الملک»، العروة الوثقی، ص ۱۵۵ و نیز همان منبع، ص ۱۸۶).

۳. پس از کلمه مبارکه «لا اله الا الله» آیه شریفه «...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...» (منافقون/۸) از محوری‌ترین آیاتی است که مبنای فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی سید جمال قرار گرفته است؛ از این رو، به نظر وی این آیه شریفه، پیام‌آور ناسازگاری اسلام با ذلت و خواری است و از آنجا که ایشان در پی برتری مسلمانان بود، کوشش بسیاری در جهت رساندن و فهماندن پیام‌های آیه و آیات مشابه به مسلمانان داشت (سید جمال الدین اسدآبادی، «اسلام چرا ضعیف شد»، جمالیه، ص ۱۶۶).

۴. به نظر سید مهم‌ترین آزمون الهی که نشان‌دهنده صدق دعوی ایمان فرد است، آمادگی رنجبری و فداکاری جان و مال در راه دین خداست. ایشان با الهام از رهنمودهای الهی بر جهاد، قتال و استقامت در راه هدف تأکید داشته و معتقد است عزت و رهایی مسلمانان در پرتو همین امر مقدس تضمین می‌شود: «أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ...»؛ عنکبوت/۲؛ (سید جمال الدین اسدآبادی، «آزمون خداوند مؤمنان را» العروة الوثقی، ص ۱۴۳-۱۴۶).

همچنین سید بر این باور است که مبارزه و جهاد با استناد به آیه مبارکه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال/۶۰) نیازمند آمادگی رزمی و دفاعی و بهرهمندی از ساز و برگ جنگی است؛ از این رو از بی‌توجهی مسلمانان نسبت به امور نظامی گله کرده است. سید جمال الدین اسدآبادی، «اسباب حفظ الملک» العروة الوثقی، ص ۱۵۶؛ نیز همو، العروة الوثقی، به کوشش هادی خسروشاهی، ص ۱۸۵).

۵. سید در نهایت به آفتها و عوامل بازدارنده مبارزه نظیر ترس و وهم می‌پردازد؛ لذا در دو مقاله از مقالات العروة الوثقی به تفصیل از علل ترس و وهم و زیانهای ناشی از آنها می‌پردازد و مسلمانان را از این رذایل اخلاقی باز دارد. (سید جمال الدین اسدآبادی، «جبن»، العروة الوثقی، ص ۱۰۶).

زمانی حدود ۱۴ قرن تا به الآن، امکان آلودگیهایی نظیر آلودگی آب (محسوس و نامحسوس) برای این جریان بزرگ معنوی وجود داشته و دارد. خداوند تبارک و تعالی در مرکز این جریان، دستگاهی تصفیه‌کننده به نام قرآن تعیبه نموده که با استفاده از آن می‌توان هر نوع آلودگی فکری را از بین برد. از این رو، رهبر کبیر انقلاب اسلامی بارها جهان اسلام و دولتمردان کشورهای اسلامی را خطاب قرار داده و فرموده که تنها راه نجات امت اسلامی، بازگشت به اسلام ناب و تمسک به آیات قرآنی است و تا مسلمانان روحیه خود را دگرگون نسازند و مرد عمل نشوند، به رستگاری دست نمی‌یابند: «مسلمانان باید اسلام را پیدا کنند، اسلام از دستشان فرار کرده است»^۱.

این سخن کنایه از این است که به قرآن توجهی نشده و به آن عمل نمی‌شود؛ چرا که تک تک آیات قرآنی^۲ بلکه کلمات آن، نسخه‌های ارزشمندی در جهت پیشگیری و نیز شفا و درمان هر نوع درد و بیماری در جهان اسلام در هر سطح و عمقی، هستند. حضرت امام خمینی (ره) در فرازی دیگر در این خصوص چنین می‌فرماید: «ای قطره‌ها! به دریا متصل بشوید تا محفوظ باشید و الا مستهلک می‌شوید و از بین می‌روید. ای افکار کوتاه بیدار شوید، خودتان را متصل کنید به این دریا؛ دریای الوهیت؛ دریای نبوت و دریای قرآن کریم»^۳.

سید جمال‌الدین هم تحت عنوان «اسلام چرا ضعیف شد؟» به این مسئله می‌پردازد. ایشان نعمتهای پیشین جهان اسلام را استقلال، خودکفایی، آزادی، اقتدار و امنیت و رفاه می‌داند:

نعمت قدیم ما چه بود؟ یکی بزرگی و سیادت... دیگری امنیت و راحتی، آزادی و هویت و... تمام نعمتهای الهی را بر وجه اکمل داشتیم، لکن جملگی از دستان به در رفت و در عوض، فقر و پریشانی، ذلت و نکبت، احتیاج و مسکنت، بندگی و عبودیت در ما زیاد شد، چرا؟^۴

به نظر سید جمال، ریشه این دردها و درمان آنها را باید در قرآن جستجو کرد.

۱. حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۴۴۸.

۲. برای مثال، خداوند در قرآن، نسخه‌های ارزشمندی برای اتفاق و برادری، پیروی هماهنگ از دستورات الهی و پیشگیری از هر نوع گسستگی، جدایی‌طلبی و ترک متارکه و فریبکاری در میان مسلمانان، ارائه داده است؛ از جمله: آل عمران ۱۰۳ و ۱۰۵؛ حجرات ۹ و ۱۰؛ انفال ۴۶؛ بقره ۲۵۶.

۳. حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ج ۹، ص ۵۳۶.

۴. سید جمال‌الدین اسدآبادی «چرا اسلام ضعیف شد؟» مقالات جمالیه، ص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ عبدالهادی حائری، سید الدین و ریشه‌های واپس‌گرایی در جهان اسلام.

ایشان در این خصوص به آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...﴾؛ استناد می‌کند و معتقد است که این دسته از آیات به ما می‌آموزند که خداوند از انسانها حرکت و عمل را تقاضا دارد و تنها در پرتو عمل (عمل به قرآن) است که امت اسلام رهایی می‌یابد.^۲

۴. بدعت‌ستیزی و خرافه‌زدایی

بدعت و خرافه که نمادی از فرهنگ جاهلیت و از مهم‌ترین ویژگیهای آن به شمار می‌رود، از هجمه‌های نامرئی دشمن در جهت کم‌فروغ ساختن نور روشنی بخش اسلام است که ترویج آن در بطن جامعه اسلامی، برابر است با از بین رفتن امت اسلام و نابود شدن اسلام اصیل و اولیه و اکتفای صرف به ظواهر، جزئیات و فرعیات تعالیم دینی؛ از این رو، به اعتقاد مبلغان بزرگی چون سید جمال، اساسی‌ترین علت تفرقه، ضعف و انحطاط مسلمانان، همین مسئله است.

سید جمال در این خصوص می‌گوید:

«مسلمانان صدر اسلام به واسطه اعتقاد به اسلام اصیل... با هم «وحدت کلام» داشتند و بلاد اسلامی و مسلمانان در راه نیرومندی و عظمت گام می‌نهادند، اما با راه یافتن خلل در ارکان هستی امت اسلامی و نزول آن مقام شامخ فقط ناشی از ترک آن اصول محکم و کنار گذاردن قواعد پابرجای آن... که با ترک آن اصول، بدعت‌های ناروا میان آنان بوجود آمد... اعتقادکنندگان، آن بدعت‌ها را جانشین آن اصول ثابت کردند و از راه راستین که دین به آنها نشان داده بود، روی گردان شدند... این بدعت‌ها و سنت‌های تازه ابداعی، میان امت و حقیقت حائل و مانع شد»^۳.

ایشان در ریشه‌یابی و تحلیل شکست‌ها، به فاصله مردم از اسلام^۴ که در اثر تعلیمات

۱. رعد/۱۱.

۲. شایسته است از دیدگاه دو تن از متفکران اسلامی درباره مفهوم آیه شریفه سخن به میان آید:

مرحوم علامه طباطبایی بر این باور است که آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ...﴾ ملازمه میان تداوم و استمرار نعمتها را با احوال صاحبان نعمت تبیین می‌نماید، چنانچه حالات روحی صاحبان نعمت تغییر کند، خداوند نیز نعمتش را تغییر می‌دهد (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۷۷).

شهید مطهری در بحثی که از یک سلسله نظامهای تغییرناپذیر الهی سخن به میان آورده است، آیه شریفه را یکی از سنت‌های ثابت الهی برشمرده و معتقد است که این آیه، رابطه مستقیم و تنگاتنگ وضع حکومت روحیه و افکار و شایستگی مردم را بیان می‌دارد. (مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، ص ۶۹؛ همو، جامعه و تاریخ، ص ۱۹۱).

۳. سید جمال‌الدین اسدآبادی، العروة الوثقی، ص ۲۰.

۴. سید جمال‌الدین در رساله «بیچریه» نقطه آغاز و مرحله اساسی فاصله گرفتن از اسلام اصیل را قرن چهارم داند؛ زمانی که انواع و اقسام تحله‌های دینی و سیاسی، اعم از دهری و مادی و غیر آن رونق داشته

فاسد رخ داده بود، اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که هر چند تاریخ‌نویسان، نقطه آغاز ضعف و انحطاط مسلمانان را جنگ‌های صلیبی دانسته‌اند، ولی بهتر آن است که آغاز ضعف مسلمانان و تفرق کلمه آنها را شروع تعلیمات فاسد و آرای باطله بدانند.^۱

با این تفاسیر، سید جمال برای بازگشت جامعه اسلامی به اسلام اصیل، افزون بر معرفی چهره راستین آن، بر این باور است که باید چهره مسخ شده و اوهم‌گرفته و مفاهیم دگرگون‌شده و خرافه‌آلود را شناسایی و معرفی کرد و از ذهنها زدود. خرافه‌زدایی و پالایش اسلام از ناخالصیها، پندارهای غلط و اندیشه‌های ضداسلامی، از مهم‌ترین اهداف این مبلغ بزرگ اسلامی در راستای اجرای اسلام راستین و تحقق وحدت اسلامی در جهان اسلام بود.

سطح فرهنگی

سطح فرهنگی دومین سطح مورد نظر است که مبلغان می‌توانند با بررسی و ساماندهی عناصر و مؤلفه‌های ارزشمند آن - که متشکل از عناصری چون دین، علوم و فنون، تعلیم و تربیت، تعصب دینی و مفاهیمی از این قبیل است - نقش بسزایی در بهبود وضع مسلمانان از نظر وحدت و انسجام اسلامی ایفا کنند.

عناصر و مؤلفه‌های سطح فرهنگی:

۱. دین^۲ (دعوت به دین و دینداری)

دین، از مهمترین عناصر زیرساختی مبلغان جهان اسلام مانند: سید جمال، حضرت امام خمینی (ره)، سید عبدالحسین شرف الدین و... در روند اصلاحات بخش فرهنگی بوده است که در واقع پایه تفکرات اصلاحی آنها را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، به اعتقاد سید، اسلام از میان ادیان، با اصول و قواعد نیرومند و محکم خود، به بهترین وجه، جامعه انسانی و اسلامی را حفظ کرده و ارتقا می‌بخشد. ایشان نقش دین را در ایجاد الفت و برادری، محبت و دوستی و وحدت و یگانگی می‌ستاید و مسلمانان را به آن فرا می‌خواند:

است.

۱. العروة الوثقی، ص ۵۶؛ به نقل از: مرتضی مدرس چهاردهی؛ سید جمال و اندیشه‌های او، ص ۵۰۸.
۲. تعریف دین و نقش آن در تکامل جامعه انسانی از دیدگاه سید جمال چنین است:
«الدین قوام الامم و به فلاحها، النیشریة جرثومة الفساد و ارومة الالاداد و فیه سعادتها و علیه نداوتها و علیه مدارها و منها خراب البلاد و بها هلاک العباد» (رساله نیچریه، ص ۱۳).

«دین مطلقاً مایهٔ نیکبختی‌های انسان است. پس اگر بر اساس‌های محکم و پایه‌های متقن گذاشته شده باشد، البته آن دین به نهج اتم سبب سعادت تامه و رفاهیت کامله خواهد گردید و... عَلم مدنیت را در میان پیروان خود خواهد افروخت، بلکه متدین را به تمامی کمالات عظیمهٔ نفسیه فائز خواهد گردانید»^۱.
به نظرایشان، «همین که مردم... دین را نصب العین خود بسازند، دیگر درمانده نمی‌شوند»^۲.

بی‌گمان، دین نقش مهمی در ساماندهی جوامع بشری و استواری بنیاد مدنیت ایفا کرده و می‌کند؛ لذا حضرت امام خمینی (ره) در فرازهایی زیبا به این حقیقت اشاره دارند: «دین ماهیتاً هم کارکرد دنیوی دارد و هم کارکرد فرادنیوی. در کارکرد دنیوی رهایی‌بخش و در کارکرد فرادنیوی تعالی‌بخش»^۳.

۲. تعلیم و تعلم

(دعوت به تعلیم و تعلم و مبارزه با جهل و بی‌خبری)

جهل و بی‌خبری، از علل ضعف و سستی مسلمانان و زمینه‌ساز تداوم سلطهٔ استعمار و بیگانگان که از عوامل اصلی تفرقه و پراکندگی مسلمانان هستند، است. حال آن‌که کسب علوم و فنون در قدرتمندی و اتحاد مسلمانان، قطعاً مؤثر است. علاوه بر این، عقب‌ماندگی و عدم همکاری و پیوند علمی و فنی در میان مسلمانان و اختلاف سطوح و نارساییها در این زمینه، در کشورهای اسلامی که در ابعاد و ارکان جامعهٔ اسلامی مؤثر است، خود از موانع عمده و اساسی تحقق وحدت مسلمانان است و سرانجام، سبب بی‌نتیجه ماندن تلاشها و حرکت‌های وحدت‌جویانه و جهانی مسلمانان می‌شود. با این تفاسیر، مبلغانی چون سید جمال برای تحقق این آرمان، یعنی تقویت بنیهٔ علمی و فنی مسلمانان در پیشبرد اهداف عالیة اسلام، بر اموری تأکید داشتند که بررسی آنرا پی می‌گیریم:

یک. اهمیت دادن به فلسفه

وی، فلسفه را می‌ستاید و اندیشهٔ فلسفی را مایهٔ تقویت عقل‌گرایی، تفکر برهانی و استدلال و همچنین زایندهٔ علوم مفید و در نهایت پدیدآورندهٔ صنعت و تکنولوژی می‌داند.

دو. ترجمهٔ آثار و در دسترس قرار دادن آنها

۱. نیچریه یا مادگیری، ص ۷۴؛ به نقل از: مرتضی مدرسی چهاردهی، سید جمال و اندیشه‌های او، ص ۱۹۵.
۲. سید جمال‌الدین اسدآبادی، نیچریه (حدیث مذهب نیچیری) و بیان حال نیچریان، نشر کتابخانهٔ شرقی بی‌تا، ص ۷.
۳. سید جمال‌الدین اسدآبادی، «لکچر در تعلیم و تعلم»، مقالات جمالیه، انتشارات اسلامی، تهران، ص ۹۵.

سید، ترجمه آثار علمی را به زبانهای بومی مسلمانان هر منطقه از جمله راههای انتقال علوم جدید می‌دانست.

سه. علم در خدمت اسلام

مسلمانان باید علوم و فنون را در خدمت اسلام و انسانیت قرار دهند و در راه به‌دست آوردن آن، استقلال داشته باشند و از تقلید و وابستگی پرهیزند، چرا که اگر بناست این صنایع در جهت مقابله با استعمار و دشمنان اسلام به کار گرفته شود، چگونه با حمایت و نظارت آنها ساخته و یا به کار گرفته شود؟

چهار. استفاده از رقابتهای استعمارگران

وجود رقابتهای استعماری در میان کشورهای استعمارگر، دست‌یازیدن به کشورهای اسلامی و غارت منابع مادی و معنوی آنان و تشدید این رقابتهای در قالب تنشهایی با عنوان جنگهای سرد و دامن‌خوردن این تنشها از ناحیه مبلغان بزرگ جهان اسلام برای خودمشغولی آنها و یا حداقل کاستن از شدت دشمنی آنها نسبت به دولت‌های اسلامی، می‌تواند طلایی‌ترین فرصت برای آغاز یک‌سری تلاشها و کوششهای مسلمانان در جهت تقویت بنیه علمی خود در سطح جهان اسلام باشد:

من به لندن نمی‌آیم مگر اینکه برای مسلمانان سودی داشته باشد!

سید در این سفر موفق می‌شود طرحی را جهت همکاری با انگلیسی‌ها علیه روسها ارائه دهد.

پنج. تلاش در راه اتحاد

روح صلیبی حاکم بر جهان غرب، اشغال برخی از کشورهای اسلامی توسط غریبان در هر برهه از زمان، ناتوانی و ضعف جهان اسلام و...، مبلغان را بر آن داشته که بیشترین نیرو و توان خود را برای بازگرداندن عزت، کرامت و سروری به جامعه مسلمانان، از راه زدودن غبارهای تفرقه و ایجاد الفت بین مسلمانان به کار گیرند.

سید در این خصوص چنین می‌گوید:

«آگاه باشید! اگر ما نیرومند و متحد باشیم، قدمهای ما در برابر آنان سد محکمی می‌بندد و دستهای ما همیشه بالای سر آنان است»^۲.

علاوه بر شرع، عقل هم بر گزینش وحدت و اتحاد اسلامی در جهت مصلحت

۱. مجموعه اسناد و مدارک منتشر نشده درباره سید جمال‌الدین افغان، جمع‌آوری و تنظیم اصغر مهدوی و ایرج افشار، ص ۴۴ و ۴۵.
۲. «الوحدة والسيادة»، العروة الوثقى، ص ۱۲.

جهان اسلام تأکید می‌کند. حضرت امام خمینی (ره) از آن به «عقل سیاسی»^۱ یاد می‌کند. منظور ایشان در واقع همان تدابیر و سیاستگذاریهایی است که در شرایط ویژه و حساس، عقل و منطق به آنها رهنمون می‌شود.

شش. استمداد از عالمان دینی

نامه بیداری آفرین سید جمال به میرزای بزرگ^۲، سند افتخار روحانیت بیدار «تشیع» است. وی در این نامه، پرده از ارتباطهای ذلت‌بار ناصرالدین‌شاه با دولت انگلیس برمی‌دارد.

۳. تعصب دینی

تعصب و غیرت دینی، شیرازه پیوند و همبستگی مسلمانان و رمز بقای اتحاد اسلامی است. اگر باورها، غیرت و حمیت دینی از میان برداشته شود، یکی از زیانیهای مهم آن، تفرقه مسلمانهاست که سید با استناد به آیه شریفه «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ...»^۳ بدان اشاره و از تحکیم باورهای دینی به غیرت دینی و تعصب یاد می‌کند. وی بر این باور است که تعصب صفتی است که خداوند به واسطه آن مردم را شکل داده و محور پیوند هر ملت است. ایشان از تعصب، با تعبیر «روح کلی جامعه»^۴ به‌عنوان عالی‌ترین و مقدس‌ترین رابطه‌ها یاد کرده است و آن را مانند هر چیز دیگری دارای حد و مرز می‌داند. وی تنها تعصب معتدل به دور از تنگ‌نظری را که در انسان حس جانبداری بی‌منطق و کور ایجاد نکند، پسندیده و می‌گوید:

«تعصب دینی نباید موجب دشمنی با علوم و سبب تنفر از صنایع و بدایع گردد»^۵.

با این تفاسیر، از نظر ارزشی در منظر سید جمال، تعصب دارای دو کارکرد مثبت و منفی است. کارکرد مثبت تعصب، همان انگیزه‌های دینی و اسلامی است که باعث اتحاد و وحدت مسلمانان می‌شود، ولی در حالت افراط و تفریط از وضعیت طبیعی خارج شده و کارکرد مثبت خود را از دست می‌دهد. ایشان با نفی تعصبات غیر

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۲.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۸۸-۹۲؛ محمد محیط طباطبایی، نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، ص ۱۹۷-۲۰۷.

۳. اعراف/۳.

۴. تعصب، العروة الوثقی، ص ۵۱-۶۳؛ همو، العروة الوثقی، به کوشش هادی خسروشاهی، ص ۱۰۳.

۵. «لکچر در تعلیم و تعلم»، جمالیه، ص ۹۰.

دینی که آنها را از عوامل تفرقه می‌شمارد، بر عامل تعصب دینی و نقش اساسی آن در تشکیل امت، تأکید می‌کند و در مقاله‌ای بنام «تعصب» در عروۃ الوثقی خطاب به مسلمانان می‌نویسد:

«مسلمانان! آگاه باشید که تعصب دینی، خون زندگی شماست؛ آن را بیهوده نریزید. پیوستگی و وحدت در دین وسیلهٔ سعادت شماست، آن را پیش از مرگ به پول نفروشید.... بدانید، تنها عامل به هم‌پیوستگی ملت‌های عرب، ترک، فارس، هندی، مصری و مغربی، علاقه و رابطهٔ دینی آنها می‌باشد»^۱.

این مبلغ بزرگ، وقتی عزت و اقتدار و منافع مسلمانان را در گرو حفظ این همبستگی می‌داند، از مسلمانان می‌خواهد که آن را خوار و بی‌مقدار نشمرند و در عین حال در حفظ تعادل آن تلاش کنند تا در برابر عدالت، فروتن باشند.

۴. دعوت به مکارم اخلاقی و کسب فضایل و تحکیم مبانی تربیتی و فرهنگی

جامعهٔ اسلامی

اخلاق، فرهنگ و تربیت دینی، پایه و اساس قوام و مایهٔ صیانت و سیادت، عزت و یکپارچگی امت اسلامی است؛ به‌طوری‌که اساساً دین و تعالیم اخلاقی - اجتماعی آن، باعث توجه امت به مصالح کلی جامعه و وحدت، همبستگی، تعاون و همکاری آنها در راه نیل به آن مصالح می‌شود، فضایل اخلاقی از صفات و ملکاتی است که دارندگان آن با هم نزدیکی و دوستی داشته و هیچ‌گونه اختلاف و مناقشه‌ای با یکدیگر نداشته و ندارند اما فساد و انحطاط اخلاقی و اجتماعی که از پیامدهای مهم دوری از اسلام اصیل و تربیت دینی است، مایهٔ ذلت و خواری مسلمین می‌شود. لازم به ذکر است بنا و بقای هر جامعه‌ای، با اوصاف رذیله، فساد و نفاق اخلاقی و اجتماعی در آن جامعه، قابل جمع نیست و به از هم‌پاشیدگی آن و بازشدن راه سلطه بیگانه، بر آن جامعه می‌انجامد. این حقایق را می‌توانیم در اندیشه‌های سید جمال جستجو کرده و عیناً مشاهده کنیم:

«مناطق وجود اتحاد و بیگانگی در هیئت اجتماع و همچنین رابطهٔ یگانگی در میان افراد، همان فضایل اخلاقی است»^۲. حتی اگر نسیمی از فضایل اخلاقی به سرزمین قومی بوزد، برای ملت آن «یک وحدت و یگانگی کامل به وجود می‌آید که هیچ‌گاه

۱. العروۃ الوثقی، ص ۴۸.

۲. العروۃ الوثقی، ص ۱۶۴.

تار و پود آن پاره نمی‌شود»^۱. آن فضایل، اساساً مایه نجات امتها از خطر نابودی و انحلال و مانع دخول بیگانگان به داخل آنهاست^۲. از دیدگاه سید، در جامعه انباشته از اوصاف زشت، فساد و انحطاط اخلاقی و اجتماعی، افراد اگر چه در ظاهر، جمع به نظر می‌رسند، ولی در باطن، دشمن یکدیگرند؛ از این رو، هویت فرهنگی واحد مستقل آنها نیز با بریدن از یکدیگر و پیوند با بیگانگان و دشمنان خود از بین رفته، مسخ می‌شود و در نهایت از خود بیگانه و اجنبی‌پرست می‌شوند:

«اگر این اوصاف رذیله در نفوس افراد قومی رسوخ کند، دشمنی و عداوت میان آنها تشدید می‌شود. در ظاهر آنها با هم جمع هستند، ولی دل‌های آنها متفرق و از هم جداست. با کارهایشان دشمنان خود را دعوت به تسلط و غلبه بر خودشان می‌نمایند و راه متجاوز را به جامعه خود باز می‌کنند^۳ و وقتی در امتی این اوصاف رذیله رسوخ کرد، بنای جامعه آن امت می‌شکند و اعضایش از هم جدا می‌شود. نفاق و فساد میان آنها پدید می‌آید...»^۴.

به نظر سید جمال، افراد چنین جامعه‌ای، در هدف مختلف و در رفتار نیز متفاوتند؛ از این رو این دسته از جوامع، به بدن بیمار، فلج و قطعه قطعه شده‌ای می‌مانند که افراد آن چون سگان هار، به جان هم افتاده‌اند. در این زمان، تنها فضایل اخلاقی است که در پیکره آن اجتماع «نیروی حیاتی» بوده و همچون «نیروی جاذبه عمومی» - که جهان خلقت را در مدار خود نگهداشته - عمل می‌کند و این جوامع را از خطر سقوط و انحطاط، رهایی می‌بخشد.

۵. روشنگری در جهت ترویج فرهنگ مبارزه با استعمار فرهنگی (خودباختگی

در برابر غرب و غربزدگی)

در گذشته، به خصوص در دوران معاصر، بسیاری از انحرافات، آرا و اندیشه‌های منحط - بویژه آنهایی که در تجزیه، از هم پاشیدگی، خودباختگی و بی‌هویتی جامعه اسلامی نقش مؤثری داشته و برای هجوم سیاسی نظامی بیگانگان، روزه‌های نفوذ ایجاد می‌کنند - برخاسته از استعمار فرهنگی و خودباختگی در برابر غرب و غربزدگان

۱. همان، ص ۱۶۸.

۲. همان، ص ۱۶۹.

۳. العروة الوثقی، ترجمه زین‌العابدین کاظمی، خلخالی، تهران، انتشارات حجر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۱.

۴. همان، ص ۱۷۰.

است. آرا و اندیشه‌های ضداسلامی^۱ از این راه در بدنه جامعه اسلامی رسوخ می‌کند، سبب توسعه فساد اخلاقی، اجتماعی و عقیدتی شده و سرانجام سبب ازهم‌گسیختن جامعه و امت اسلامی می‌شود.

در حال حاضر، دشمنان اسلام برای مقابله با رشد و توسعه جهان اسلام در سطح دنیا که به شکل فزاینده‌ای رو به رشد و پیشرفت است، چون گذشته، هویت جامعه اسلامی و جهان اسلامی را به گونه‌ای حساب‌شده و جدی، از طریق ترویج فرهنگهای شیطانی و تقلید کورکورانه از تمدن خیالی غرب و در نهایت با ترساندن مسلمانان و به تمسخر گرفتن ذخایر و اندوخته‌های جامعه اسلامی، نشانه رفته‌اند و در این تاکتیک تا حدودی به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند.^۲

در این میان، منادیان و مبلغان جهان اسلام، باید با حساسیت فراوان، مسلمانان را از تقلید کورکورانه بر حذر دارند و ایشان را نسبت به آسیب‌های پیروی از آداب و رسوم و سنت‌های آنان که به دلیل انطباق با ویژگی‌های ملل شرق - مسلمانان - سبب ضعف و ناتوانی و در نهایت سلطه بیگانگان بر آن می‌شود، آگاهی دهند. اینجاست که شخصی چون سید جمال، مبارزه با غربزدگان را برای حفظ موجودیت فرهنگی - سیاسی و هویت مستقل جوامع اسلامی ضروری می‌داند و با توجه به «تجربه زندگی» و «حوادث گذشته»، معتقد است:

«هر ملتی که اخلاق و رفتار و تمدن ملتهای دیگر را بدون توجه به خصوصیات قومی خود تقلید کند، طبعاً در میان وحدت آن ملت روزنه کوچکی و راهی برای دخول دشمنان به میان آنان باز می‌شود».^۳

ج) سطح سیاسی

با توجه به اینکه جهان اسلام در عصر حاضر با چالش‌های عمده‌ای روبروست که از سوی مستکبران و ملحدان جهان، به منظور تضعیف و انزوای اسلام و در نهایت تخریب و انهدام آن پشتیبانی می‌شود و اینکه هرگونه سستی نیز در این زمینه، برابر با عقبماندگی همه‌جانبه و قربانی شدن ملتهای جهان اسلام است، از این رو، برای مبارزه با این چالش‌ها و دفع و رفع آنها، آگاهی سیاسی، شرکت فعالانه مسلمانان در مسائل

۱. مانند: تعصبات قومی و نژادی، تز جدایی دین از سیاست، نگرش لیبرالیستی به دین و بسیاری از عادات و رسوم و معیارهای غلط و نامناسب تمدن غربی.

۲. مانند ترویج فرهنگ عربی و روابط حیوانی در سطح جوامع اسلامی، بویژه در میان نسل جوان. سید جمال‌الدین اسدآبادی، العروة الوثقی، ص ۹۰.

سیاسی و سیاست و سرانجام وحدت سیاسی جهان اسلام امری لازم و واجب شمرده می‌شود.

شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«سید جمال مهمترین و مزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و شرکت فعالانه مسلمانان را در سیاست، واجب و لازم شمرد... (ایشان) دستهای مرئی و نامرئی استعمارگران را در نفاق‌افکنیهای مذهبی و غیرمذهبی دید و رو کرد»^۱.

عمده‌ترین عوامل جدایی و تفرقه در سطح سیاسی، در اندیشه و عمل مبلغان بزرگ جهان اسلام، چالشهایی است مانند: سکولاریسم (تفکر جدایی دین از سیاست)، استبداد داخلی، جهانی‌سازی (تسلط کامل غرب و استعمار بر جهان اسلام)، نفاق و قطع رابطه و عدم تعامل و همکاری میان علما و زمامداران مسلمان^۲ و... در ادامه، به بررسی این عوامل و میزان نقش مبلغان در این امور، برای وحدت و انسجام اسلامی می‌پردازیم:

۱. جدایی دین از سیاست

دین اسلام، همانند متن خلقت، بر پیوستگی ماده و معنا، و دنیا و آخرت مهر تأیید می‌زند و به هر دو بعد زندگی بشر توجه می‌کند؛ به گونه‌ای که به اصطلاح، «سعادت دارین» و برقراری قسط، برابری و عدالت اجتماعی، از برنامه‌های دین است. کسانی که دین و سیاست را از هم جدا می‌دانند، یا اسلام را نمی‌شناسند و یا با آن دشمنی دارند. مخالفان، خواهان آنند که مسلمانان فعالیت سیاسی، تشکیلات، قدرت و نیرو نداشته باشند تا منزوی شوند و سرانجام، اسلام و قوانین آن کنار گذاشته شود. از این رو، شخصیت‌های متفکر و بزرگ جهان اسلام^۳، تفکیک دین از سیاست و تبدیل خلافت به سلطنت را از مهمترین انحرافات عقیدتی و سیاسی و از علل عمده تفرقه و پراکندگی

۱. مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، تهران، صدرا، ص ۱۵.

۲. سید جمال‌الدین اسدآبادی، حضرت امام خمینی، شهید مطهری، علامه امینی و... .

۳. چنانچه، اعلام همبستگی دین و سیاست و اعلام ضرورت شرعی آگاهی سیاسی برای فرد مسلمان و ضرورت دخالت او در سرنوشت سیاسی کشور خویش و جامعه اسلامی، یکی از طرح‌های سید جمال برای درمان یکسری از دردهای موجود در جهان اسلام است. ایشان بر این مسئله تأکید داشته و با یادآوری وحدت امت در سایه دین و پیروزیهای درخشان مسلمانان در گذشته و نقش دین در ایجاد الفت و برادری، محبت، دوستی، وحدت و یگانگی، تعصب دینی را بر خلاف تعصبات جاهلی قومی و نژادی ستوده و مسلمانان را به آن فرا می‌خواند و به این مطلب اشاره می‌کند که تمام اروپا و غرب، بدرغم همه اختلافات قومی، نژادی، طبیعی و سیاسی میان خودشان، با تعصب دینی و صلیبی خاصی برای مقابله با اسلام و مسلمانان متحد شده‌اند. (حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی

مسلمانان در سطح رهبران و مردم می‌دانند.

در سطح مردم، با از بین رفتن انگیزه دینی برای فعالیتهای سیاسی، به‌دست گرفتن سرنوشت خویش و کسب آگاهی سیاسی گسترده در رویارویی با استعمار خارجی، راه برای سلطه و حاکمیت استعمار هموار می‌شود. در سطح رهبران، حاکمیت زور و استبداد و تفکیک مقام عملی و اجرایی خلافت از مقام دینی و معنوی آن، راه را برای ایجاد تفرقه دینی، اختلافات سیاسی و پیدایش فرقه‌های دینی و خلاصه تجزیه و پراکندگی مسلمانان هموار می‌کند. تاریخ قرون اولیه اسلام، شاهد عینی و سند معتبر این مطلب است.

برآیند پیوند دین و سیاست - بویژه در اسلام که دینی جامع و کامل است - این است که وحدت و همبستگی دینی مسلمانان، بعد سیاسی و حکومتی پیدا کند و مردم در جهت ایجاد نظام اسلامی و علیه استعمار، بسیج شده و وارد صحنه شوند. یعنی مسلمانان در جبهه داخلی با مبارزه با استبداد و کنار زدن آن و دخالت در سرنوشت خویش و تشکیل حکومت اسلامی، با انگیزه‌های دینی و معنوی، موانع عمده وحدت جهان اسلام را برطرف کنند و به‌جای آن، عناصر و عوامل اساسی تشکیل امت واحده اسلامی را به وجود آورند. در جبهه خارجی نیز به مبارزه با استعمار و دشمنان جهانی اسلام برخیزند و موانع بزرگ‌تر راه وحدت مسلمانان و نیز وحدت انسانهای محروم و مستضعف جهان را از بین ببرند و در سطح گسترده‌تری، حاکمیت اسلام و ارزشهای الهی و وحدت اسلامی را برقرار کنند!

یادآوری می‌شود، تفهیم همبستگی دین و سیاست و ایمان مردم به مبارزات سیاسی به عنوان یک وظیفه شرعی و مذهبی، از اساسی‌ترین مسایل این مؤلفه به شمار می‌آید که مبلغان می‌توانند در این مهم سهم عمده‌ای داشته باشند^۲.

۲. استعمار^۳ و نقش آن در تفرقه و اختلاف در جهان اسلام

بررسی و تبیین نقش استعمار در ایجاد تفرقه و اختلاف در جهان اسلام با توجه

۱. حرکت‌های اصلاحی - انقلابی روحانیت شیعه در ایران برای مبارزه با استبداد و استعمار با عنوان نهضت مشروطیت ایران، از سال ۴۲ و به ثمر نشستن این حرکتها در سال ۵۷ به رهبری امام از نمونه‌های بارز و عینی این جریان است.

۲. طرح همبستگی دین و سیاست در دوجبهه (یعنی استبداد داخلی و استعمار خارجی) و کوششهای فراوان سید جمال برای ارتقای سطح شعور مذهبی مسلمانان برای مبارزه با این دو چالش در دنیای اسلام قابل ستایش است، (مرتضی مطهری، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی درصد سال اخیر، ص ۲۷).
۳. اعم از استعمار داخلی (سلطه استبداد) و استعمار خارجی (اجانب).

به نوع عملکرد^۱ و پیشینه^۲ به جای مانده از آن، با نگاه به موقعیت و جایگاه مبلغان در

انسانی خود، همواره از بزرگترین عامل و عوامل ضعف و تفرقه و از موانع عمده پیشرفت و اتحاد مسلمانان به شمار می‌رود که پیوسته در پی تضعیف و زوال قدرت مسلمانان و دولتهای مسلمان با ابزار تفرقه و اختلاف بوده است تا از این رهگذر، زمینه نفوذ و سلطه همه‌جانبه بر این دولتها را فراهم کند و با تشدید و توسعه این اختلافات در سطح جهان اسلام و جامعه بزرگ اسلامی، سقوط نهایی آن را رقم زندند.^۳

بر این اساس، مبارزه گسترده با استعمارگران، از اصلی‌ترین و مهمترین تکالیف مسلمانان جهان است که باید در حد امکان و توان به هر روش ممکن، این تکلیف ادا شود. به عقیده مبلغانی چون سید جمال، ورود به مسائل و مبارزات سیاسی - اجتماعی، به‌ویژه مبارزه با استعمار، بدون شناخت دشمن، مانند ورود به صحنه پیکار، بدون ساز و برگ جنگی است. از این‌رو، مبلغان جهان اسلام، در جهت تحقق اهداف عالی دین مبین اسلام، در مرحله نخست باید تلاش و توان خود را در راه آشناسایی و شناساندن چهره واقعی دشمنان اسلام، یعنی استعمارگران شرق و غرب و طرفندهای آنها نسبت به مسلمانان به کار گیرند و چهره پلید و شیطانی آنها را افشا کنند. استراتژی دشمن‌شناسی، نیمی از خداشناسی است که از آموزه‌های دین مبین اسلام و سفارشات مؤکد و ارزشمند ائمه (علیهم‌السلام) است، چنانچه می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ أَعْقَلَ النَّاسِ عَبْدٌ عَرَفَ رَبَّهُ فَاطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ»^۴؛ «آگاه باشید! همانا عاقلترین مردم کسی است که پروردگارش را بشناسد و از او اطاعت کند و دشمنش را نیز بشناسد و از او نافرمانی کند».

۳. نفاق و عدم ارتباط و تعامل میان علمای اسلام و زمامداران مسلمانان

گذشته از دور شدن از اسلام اصیل و پیوستن به انحرافها و بدعتها، مسلمانان در تعالیم و دستورات دینی مورد اعتقادشان نیز به‌خاطر عمل نکردن به آنها، به یک سلسله

۱. مانند نقش استعمار در تجزیه دولتهای مسلمان در قرن ۱۳ق/۱۹م و تلاش دو دولت و دو قدرت عمده مسلمانان (ایران و عثمانی)، (محمد محیط طباطبایی، نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، ص ۲۴۳).
 ۲. سیدجمال می‌گوید: «دولتهای مقتدر سقوط نکردند و از بین نرفتند مگر با دخول بیگانگان به آن کشورها و گمردن آنها بر کارهای مهم مملکتی؛ زیرا در تاریخ همه دولتهای منقرض شده، آثاری از دخالت بیگانگان به چشم می‌خورد» (العروة الوثقی، ص ۹۰-۹۱).

۳. شم قوی سیاسی، سفرهای مکرر به شرق و غرب جهان، نشست و برخاست با رجال دینی و سیاسی و... سید جمال را به مرتبه‌ای بالا برده که می‌تواند از اعلی مصداق روایت شریف باشد؛ لذا دکتر حمید عنایت، استاد محیط طباطبایی، استاد محمدطاهر جبالوی و بسیاری از نویسندگان دیگر ایشان را مربی و راهنمای مبارزان راه آزادی و ضد استعماری دانستند. (به ترتیب ر.ک سیری در اندیشه سیاسی عرب و نقش سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین).
 ۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ج ۷۴، ص ۱۷۹.

از جداییها و تفرقه‌ها گرفتار می‌شوند. توأم نبودن اعتقاد آنها با عمل و عدم انجام وظایف و تکالیف دینی - اجتماعی به پیدایش جو نفاق و عدم رابطه و معاضدت، بویژه در میان علمای سرزمینهای اسلامی و نیز زمامداران کشورهای مسلمان انجامیده و همین امر، باعث انحطاط و رکود مسلمانان شده است. سید جمال در این باره می‌گوید:

«علت کوتاهی مسلمانان در یاری کردن به برادران مسلمان خویش در هر سرزمین و از هر نژادی این است که در میان بسیاری از آنها، اعتقاد تنها مانده بدون اینکه توأم با عمل باشد^۱... شدت و عمومیت این نفاق و عدم رابطه به حدی است که شامل همه مسلمانان می‌شود، به طوری که میان دو قوم اسلامی و حتی دو شهر اسلامی، رابطه و نزدیکی وجود ندارد... گاهی هم در اثر تصادف، از موقعیت کشورهای دیگر آگاه می‌شوند مثلاً در مواقع حج و اجتماعات^۲... و همین طور در مورد رؤسا و زمامداران ممالک اسلامی که آنها هم از لحاظ افکار و عقاید اسلامی و ترویج آنها، با یکدیگر ارتباط ندارند»^۳.

سید جمال در جایی دیگر خاطر نشان می‌کند:

«ایجاد استحکام و ارتباط میان مسلمانان، مستلزم این است که درجات علمای اسلام و وظایف هر کدام از آنها معین شود تا همواره آماده انجام وظیفه باشند»^۴.

۴. خنثی‌سازی نقشه‌های دشمنان

امروز در جهان، دو دین بزرگ آسمانی وجود دارد؛ یکی اسلام و دیگری مسیحیت. البته در جهان مسیحیت، حقایق آسمانی چندان دست نخورده نمانده و به تحریف و تغییر و تصرف بسیار دچار شده است. با این همه، از نظر نفوذ و کثرت پیروان، اسلام و مسیحیت سرآمد ادیان جهان، به شمار می‌روند، با این تفاوت که تشتت و اختلاف و پیدا شدن فرقه‌های مذهبی و فکری و اعتقادی، در مسیحیت بیشتر از اسلام است. در اسلام با همه اختلافاتی که پدید آمده، تنها دو جریان عمده وجود دارد؛ یکی تشیع و دیگری اهل سنت. این امر، - کم بودن جریانها و فرقه‌ها در اسلام - خود سبب امیدواری تلاشگران در راه «اتحاد اسلامی» می‌شود. از آنجا که خیانت نسبت به اسلام و مسلمانان از ناحیه یهودیت، مسیحیت و

۱. العروة الوثقی، ص ۷ و ۱۶.

۲. همان، ص ۱۱۸.

۳. همان، ص ۱۱۷.

۴. به نقل از: جمعی از نویسندگان، سیدجمال؛ جمال حوزه‌ها، مجله حوزه، ص ۱۳۵.

منافقان، از صدر اسلام و سپس در طول سالها و سده‌ها، فراوان بوده و هست - که از این طریق انحطاطها، عقب‌ماندگیها، شکستها و مصیبت‌هایی برای جهان اسلام سبب شده‌اند - ضرورت دارد که نخبگان جهان اسلام برای جلوگیری از طرحها و نقشه‌های دشمنان که صرفاً در پی براندازی اسلام‌اند، دست به کار شوند و آگاهانه، با به کارگیری امکانات و استعدادهای خویش، روشنگریهای لازم در جهت خنثی‌سازی این طرحها و برنامه‌ها را آغاز کنند که این امر یکی از اهداف بلند و تکالیف والایی است که همواره خردمندان آگاه و دلسوز به آن توجه داشته‌اند.

در همین باره است که می‌بینیم علامه سید شرف‌الدین در سلسله فعالیت‌های بیداری‌آفرین خود در راه تفاهم و اتحاد، به معرفی «ابوهریره دوسی» می‌پردازد و کتاب «ابوهریره» را می‌نویسد و ناراستی او را در «نقل و روایت» آشکار می‌کند و جالب توجه است که همان‌گونه که یک مصلح بیدار شیعی لبنانی، معرفی صحیح این راوی مخدوش الحدیث را، به نفع علم، حقیقت، اسلام، دیانت و هدایت می‌داند و خدمتی به اسلام و مسلمانان بر می‌شمارد، یک عالم محقق سنی مصری نیز به همین نتیجه می‌رسد و کتاب «شیخ المضیره» را در همین باره می‌نویسد.

بی‌گمان، آنچه برای جهان اسلام در جهت تحقق آرمانهای مقدس و انسان‌ساز اسلام، ضرورت دارد، ظهور و بیداری مردان بزرگی چون شرف‌الدین، علامه امینی، شهید مطهری، امام خمینی و... در برهه‌هایی از زمان است.

فکر اتحاد اسلامی، به تعبیر خود شرف‌الدین، از آغاز جوانی مانند آذرخش که در آسمان می‌درخشد، در جان او درخشیده است و همچون خون غیرت در رگهای او جریان یافته است. نخستین روزی که دست به قلم می‌برد، منشور اتحاد اسلامی یعنی الفصول المهمة^۱ را می‌نگارد، سپس المراجعات را به رشته تحریر درمی‌آورد. یکی از محققان مصری، دکتر حامد حنفی داود، از استادان دانشگاه «عین شمس» قاهره، در مقدمه‌ای که بر المراجعات نوشته است، به بیداری و تعهد مبلغان آگاه جهان اسلام چنین اشاره می‌کند:

«اهمیت کتاب المراجعات وقتی به‌خوبی روشن می‌شود که ما به زمان انتشار آن توجه

۱. صاحب‌نظران به‌دلیل همین کتاب که در مسیر تفاهم فرق مسلمانان نگاشته شده، ایشان را از بزرگ‌ترین منادیان اتحاد اسلامی خوانده‌اند.

۲. از آثار دیگر شرف‌الدین، تأسیس باشگاه مجللی است به نام «هادی الامام جعفر الصادق (علیه السلام)»، این عمل برای اجتماعات و کنفرانسهای علمی و اسلامی و اجتماعی و تربیتی برپا گشته است. (ر.ک: عبدالحسین شرف‌الدین، ۳۱-۳۶ «مقدمه»).

کنیم و به وقتی که در دسترس شیعه و سنی قرار گرفت تا آن را بخوانند. مؤلف، این کتاب را در اوایل قرن چهاردهم، خلال دهه سوم و چهارم این سده، منتشر ساخت؛ در فترتی بحرانی و خطرناک که ایادی استعمار، با سرنوشت مسلمین بازی می‌کردند و برای رسیدن به مقاصد پست خویش هیچ وسیله‌ای بهتر از تفرقه‌افکنی در میان مسلمانان و بهره‌گیری از اختلافات مذهبی نداشتند. آنان می‌کوشیدند تا بدین وسیله عظمت جهان عرب و اسلام را پایمال کنند. این شکاف‌افکنی در اوایل این قرن به اوج خود رسیده بود^۱.
 بدین‌گونه خدمات این بزرگان، در حفظ عظمت اسلام و زمینه‌سازی برای اتحاد اسلامی و خنثی کردن نقشه‌های دشمنان پست اسلام و انسانیت، تا اندازه‌ای شناخته می‌شود. رحمة الله عليهم رحمة واسعة.

۵. ابهام‌زدائی و شفاف‌سازی در مسائل اختلافی با اخذ بهترین شیوه‌ها

مصلحت اسلام و مسلمانان نزد هر مسلمان خردمند و دلسوز، از هر چیز دیگری مهمتر است؛ لذا پرهیز از سرگرم شدن به اختلافات جزئی اما ویرانگر و توجه دادن آحاد ملت مسلمان به مقاصد بالاتر و ارزشمندتر در جایی که مقصد یکی است، برای حفظ و بقای اسلام، از رویه‌های منحصر به فرد مبلغان سرشناس جهان اسلام، نظیر حضرت امام خمینی (ره) است^۲. به‌راستی حلم و بردباری حضرت امیر علیه السلام در روزگار تنهایی و سکوت، مبنای تفکر امام در باب تحمل رنجها و ناملايمات برای مصالح اسلام است.
 حضرت امیر علیه السلام چنان به وحدت و اتحاد مسلمانان علاقه‌مند بودند که در راه تحقق آن، انواع رنجها و مشقتها را تحمل می‌کردند. ایشان در نصایح و سفارشات خود به مسلمانان به پیروی از تعالیم قرآنی، نخست آنها را از طرح مسائل اختلافی مربوط به گذشته و امور اختلاف برانگیز که برای حلّشان حاکم و داوری در سرزمین و قلمرو مسلمین وجود نداشته و یا موضعگیری در اطراف آن امور، ضررش بحال مسلمانان و اسلام بیش از نفعش و با مصالح کلی اسلام و مسلمانان ناسازگار باشد، برحذر داشتند^۳. در مقابل، ایشان مسلمانان را به مسائل و مشکلات روز که با آنها دست به‌گریبان بودند، متوجه می‌ساخت و در مواردی هم آنها را به‌خدا و رسولش رهنمون می‌شد^۴.

۱. همان منبع، ص ۷ و ۸.

۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۰.

۳. نمونه روشن از سوی حضرت امیر علیه السلام در مطرح نکردن امور اختلاف برانگیز، پاسخ آن حضرت به سؤال مردی از قبیله بنی‌اسد است که خویشاوندی سببی با ایشان داشت. رک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۶۲.
 ۴. برخی موارد اختلافی بین حضرت امیر علیه السلام و دیگران که حضرت حکم و داوری را به خدا ارجاع می‌دهد، عبارت

این دیدگاه، در عصر حاضر نیز مصادیق فراوانی دارد و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، تا مسلمانان مسائل اختلافی مربوط به صدر اسلام^۱ را اسباب تفرقه و جدایی و پراکندگی امت اسلام در سطح جهان قرار ندهند و شیوهٔ برخورد آن حضرت را همگی، چه شیعه و چه سنی، در پیش گیرند. چرا که اخذ چنین شیوه‌هایی عاری از هرگونه ابهام، شک و تردید که زمینه‌ساز هر نوع اختلافی است، می‌باشد.

مسلمانان باید به ریسمان الهی چنگ زده و با پیروی از تعالیم رسول اکرم ﷺ، وحدت و الفت را میان خود برقرار سازند و با عبرت گرفتن از سنت تاریخ و سرنوشت ملت‌های پیشین و قانونمندی کلی حاکم بر جامعه، از تفرقه و پراکندگی که مایهٔ ضعف و زبونی است، پرهیز کنند تا به وحدت، الفت و یگانگی که همان توحید و مایهٔ قدرت و عظمت و تعالی مسلمانان است، گرایش پیدا کنند و به‌طور جدی، از طریق برخورد صحیح و اصولی، با مسائل اختلافی، در این راه بکوشند؛ چرا که به فرمایش حضرت امیر علیه السلام «سران شما مرده و نزد خدای عادل محاکمه می‌شوند». پس حکم و داوری در مورد آنها را باید به خدا واگذار نمود و در عصر حاضر فقط به مسائل، مشکلات و گرفتاریهای جهان اسلام که دشمنان مشترک مسلمانان از همهٔ مذاهب تدارک دیده‌اند، پردازیم و با وحدت و همبستگی بر دشمنان جهانی خود پیروز شویم.

۶. ایجاد تشکیلات مناسب

از دیگر گام‌هایی که مبلغان در جهت ایجاد اتحاد در جهان اسلام می‌توانند بردارند، ایجاد تشکیلات مناسب و ارتباط منسجم بین این تشکیلات است. چرا که این کار سبب تقویت روحی مسلمانان و تزلزل روحی دشمنان می‌گردد.^۲

است از:

* قضیهٔ عثمان و قاتلین او که هر دو طرف را مرتکب لغزش و خطا دانسته است (عثمان را مستبد و قاتلان او را ناشکیبا می‌داند و در آخر می‌فرماید: خداوند میان مستبد و کم‌تحمل حکم می‌کند. همان، خطبهٔ ۳۰.

* دربارهٔ زمینهای فدک که حضرت خطاب به عثمان بن حنیف می‌فرماید: «نعم الحکم الله»، همان، نامهٔ ۴۵.

* در خصوص خروج و مبارزه طلبی خوارج بر آن حضرت، که می‌فرماید: «حکم الله انتظر فیکم»، «من حکومت خدا را دربارهٔ شما انتظار دارم»، همان، خطبهٔ ۴۰.

* اظهار نظر حضرت دربارهٔ عایشه، پس از جنگ جمل که در آخر می‌فرماید: «ولها بعد حرمتها الاولى والحساب علی الله تعالی»، «با وجود آنچه گفتم، عایشه احترام نخستینش را دارد و حسابش با خداست». همان، خطبهٔ ۱۵۶.

۱. مربوط به خلفا، صحابه و تابعان می‌باشد.

۲. ایجاد تشکیلاتی به نام «جمعیت عروقه» در دوران اقامت چهار ساله سید جمال در هندوستان (حیدرآباد و کلکته) و افزایش شعبه‌هایی از آن در سایر کشورها از جمله مصر، تونس و دیگر نقاط شمال آفریقا و فرانسه، در تحقق این مهم شایان ذکر است. (مجموعهٔ اسناد و مدارک چاپ نشده دربارهٔ سید جمال الدین، جمع‌آوری و تنظیم اصغر

حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

«همه دست به دست هم بدهید، علی حده هر کس برای خودش یک ساز بزند، این غلط است. این شکست است. باید سازمان داده بشود این قیام و سران قوم باید روابط داشته باشند با هم، متفرق نباید باشند. امروز روزی نیست که شماها با تفرقه کار انجام بدهید. اگر چنانچه تفرقه داشته باشید تا آخر همین هستید و از این هم بدتر...»^۱.

د) سطوح اجتماعی

از آنجاکه دین برای هدایت بشر آمده است، برای شناخت ابعاد دین در مسیر اصلاحات، آگاهی از ابعاد وجودی انسان بویژه در دین اسلام که هم جهانی است و هم ابدی و از کمال و جامعیت نیز برخوردار است، ضرورت دارد.

انسان برخلاف حیوان و فرشته، موجودی «جامع الاطراف» است. ادیان الهی، بویژه اسلام و قرآن به عنوان کتاب «انسان ساز»، نگرشی جامع و همه جانبه به حیات بشر دارد. هم به بدن انسان توجه دارد و هم به روح او؛ چنان که هم به دنیای او متوجه است و هم به آخرت او. هم به زندگی فردی آدمی نظر دارد و هم به حیات جمعی او. هم رابطه او با خدا را مهم می‌شمارد و هم رابطه او با خویشتن و سایر مردم را. عقل و اندیشه او را تغذیه می‌کند، خواسته‌های فطری او را پاسخ می‌دهد و راه و رسم عملی زندگی را نیز به او نشان می‌دهد.^۲

با این تفاسیر، مبلغان جهان اسلام می‌توانند با احیای ابعاد اجتماعی معارف حقه اسلام از راههای مختلف در درون جوامع اسلامی، اسباب تحقق اهداف عالیة اسلام از جمله اتحاد و انسجام اسلامی را فراهم کنند:

۱. از راه مطالعه، بررسی، شناختن و شناساندن آموزه‌ها و معارف انسان ساز دین

اسلام

مبلغان در این روش در سطح جوامع اسلامی و روابط انسانی آن جوامع، در دو محور اساسی و مهم زیر ایفای نقش می‌کنند:

الف) بررسی و تبیین عوامل اختلاف^۳ که اسلام با مهر تحریم، آنها را به منظور

۱. وحدت از دیدگاه امام خمینی، ص ۹۹.

۲. امام خمینی می‌فرماید: «... قرآن مشتمل بر همه چیز است؛ یعنی یک کتاب آدم‌سازی است، همین طور که آدم همه چیز است، معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد. قرآن کریم هم آمده است این انسان را بسازد، همه انسان را می‌سازد؛ یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد». امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۶۵.

۳. مانند: افترا و تهمت، سوءظن، دروغ، مراء، تمامی، قماربازی، شراب‌خواری، توهین، تحقیر، غیبت، نفاق.

جلوگیری از مفسده، از بطن جامعه انسانی طرد و نفی کرده و با در نظر گرفتن کيفرهای سخت برای این دسته به شدت با آنها مخالفت می‌کند.

ب) بررسی عناصر و عوامل همبستگی جامعه اسلامی^۱ و به عبارتی، بررسی و تبیین عوامل تقویت اتحاد و اخوت اسلامی به منظور الفت و همدلی افراد جامعه در سطح اجتماع، در روابط فردی و اجتماعی.

۲. از طریق دعوت مسلمانان به انجام تکالیف الهام‌بخش دینی و الهی؛

لازم به ذکر است که چون این روش از دامنه و گستره نسبتاً طولانی برخوردار است، تنها به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

تشویق جامعه به حضور در مساجد، نماز جماعت و جمعه و سایر اجتماعات و وحدت‌آفرین

سید جمال این اماکن را مراکز مهمی برای تفاهم در جامعه مسلمانان می‌داند و درباره نقش این مراکز به عنوان حلقه‌های پیونددهنده اجتماعات مردم می‌گوید:

«هرکدام از اینها می‌تواند مکانی برای ظهور روح زندگی واحد در میان مسلمانان باشد و هرکدام از این محلها می‌تواند مانند حلقه زنجیری باشد که هرگاه یکی از آن حلقه‌ها تکان بخورد، حلقه‌های اطراف آن هم به‌صدا درآیند»^۲.

تشویق و تبلیغ اخلاق وحدت و همگرایی و همبستگی در سطح اجتماع و جامعه اسلامی از قبیل اخلاق احسان و نیکویی، صبر و شکیبایی، اخلاق گذشت و ایثار، حسن ظن، مهرورزی و...

توجه و رسیدگی به محرومان

نخست این‌که، حمایت از محرومان و مستضعفان و ستیز با پول‌پرستان و زراندوزان در مکتب انبیا یک اصل خدشه‌ناپذیر است و هیچ‌گاه پیامبری را نمی‌توان یافت که جهت‌گیری اجتماعی‌اش به نفع سرمایه‌داران و مرفه‌ان و به ضرر فقرا و محرومان باشد. امام راحل (ره) که خود تداوم‌بخش راه انبیاست، عصر خود را در دوره جنگ حق و باطل جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه‌ها و مرفه‌ان بی‌درد

خیانت، دادوستدهایی که سبب اختلاف می‌گردند و ...

۱. مانند: سلام، زیارت برادران دینی، صلوة رحم، هدیه دادن، مصافحه کردن، دعا برای برادران دینی، وفای به عهد، صداقت، اهتمام به امور مسلمانان و یاری به دیگران، عیادت کردن از مریض و تسلیت گفتن به همدیگر در مناسبت‌ها و ...

العروة الوثقی، ص ۳۴-۳۵، با مقدمه خسروشاهی.

معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«ما باید تمام تلاش‌مان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم»^۱.

دوم این‌که، کم‌توجهی و احیاناً بی‌توجهی به این قشر، سبب فاصله فاحش طبقاتی جامعه که عین تفرقه و جدایی است، می‌شود.

ح) سطح اقتصادی

سطح اقتصادی، پنجمین سطح از سطوحی است که با مؤلفه «معیشت» و با عناصر ساختهای چون زهد و ساده‌زیستی، آبادانی دنیای اسلام، لغو قراردادهای سلطه‌گر و... معرفی می‌شود که در ساماندهی اوضاع مسلمانان در سطح جهان اسلام از سوی مبلغان، می‌تواند سهم به‌سزایی داشته باشد. اینک به برخی از این عناصر، اشاره می‌کنیم:

۱. زهد و ساده‌زیستی و ترویج آن

با توجه به محتوای رسالت مبلغان جهان اسلام (هدایت مردم و تقویت معنویت) کسی شایسته پذیرش چنین رسالت مهمی است و می‌تواند آن‌را به سرانجام برساند که از تجملات و تشریفات زاید بپرهیزد و منش زندگی او، «پرهیز از مادیات» و «توجه به معنویات» باشد. مردم از کسی حرف شنوی دارند که به سخنان خویش «عامل» باشد. حضرت امیر علیه السلام یکی از خصلتهای خویش را چنین بیان می‌کند:

«ای مردم! بخدا سوگند، من شما را به طاعتی ترغیب نمی‌کنم جز این‌که خود بر شما سبقت می‌جویم و شما را از گناهی نهی نمی‌کنم جز اینکه قبل از شما از آن می‌پردازم»^۲. در غیر این صورت، یعنی با روی آوردن مبلغان به زندگی تجملاتی و تشریفات زاید، «... محتوا کنار می‌رود، وقتی ساختمانها و ماشینها و دم و دستگاهها زیاد شد، موجب می‌شود بنیة فقهی اسلام صدمه ببیند... . تشریفات باعث می‌شود روحانیت (مبلغان) شکست بخورند» و در تبلیغ و ترویج اسلام و تحقق بخشیدن به مقاصد و اهداف مقدس اسلام، از جمله «وحدت و اتحاد دنیای اسلام»^۳ ناکام بمانند.

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۳۵.

۲. «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي وَاللَّهِ مَا أُحْتَكِمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَ أَسْقِيكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَتْنَاهُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتْنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا» (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۷۵).

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۲.

یکی از شرایط تأثیرگذاری در چنین مقام و موقعیتی^۱ همین نکته است؛ چرا که زندگی زاهدانه انبیا(علیهم السلام) بالاخص پیامبر اعظم ﷺ و ائمه اطهار(علیهم السلام)، به ویژه حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) که در جایگاه حاکم اسلامی قرار داشت، ضامن موفقیت آنان در دعوت به دین و خدا بود. این روش می تواند الگوی روشن و مطمئنی در پیش روی مبلغان باشد.

۲. آبادانی دنیای اسلام

استراتژی دغدغه آبادانی دنیای اسلام از سوی مبلغان، در حیطه اقتصادی در ارتقای سطح مدنیت و تمدن، علوم و معارف، اختراعات و ... و نهایتاً تحقق وحدت جهان اسلام، هرگز بی تأثیر نخواهد بود.

بر این اساس، به نظر سید جمال، یکی از عناصر و مؤلفه های ساختاری اقتصاد در این مقوله، «آبادانی دنیای مسلمانان» است. از این رو، ایشان اهتمام و جدیت خاصی نسبت به قضیه رشد و توسعه اقتصادی جهان اسلام و شکوفایی استعدادهای بومی آن داشت.^۲ امید است که مبلغان فعلی اسلام نیز با دنبال کردن این استراتژی، نقش تعیین کننده خود را در این باره به منظور تجدید عظمت اسلام ایفا کنند.

۳. لغو قراردادهای سلطه گر

مسئله معاش به عنوان بنیادی ضروری در جهت ارتقا و کمال انسانی، از اصول محکم و خدشه ناپذیر اندیشه و عمل شخصیهایی چون سید جمال، امام خمینی، شهید مطهری، و ... بود؛ چرا که آنها کمال انسانی را در سایه توسعه مادی - که دیدگاه اسلام است - می دانستند. از سوی دیگر، برکنار بودن از دنیا و همچنین دوری از برخورداریهای مادی را امری مذموم و ناپسند برمی شمردند؛ لذا به وضع اقتصاد جهان اسلام توجه خاصی داشتند و دائماً از خیانت و مزدوری بعضی از زمامداران مسلمین

۱. «مندی اسلام راستین بودن و بر دوش داشتن رسالت با عظمت تبلیغ».

۲. به استناد اینکه سیدجمال ساده و زاهدانه زیست، پارسایی و مناعت طبع یکی از صفات برجسته او بود و تا پایان عمر نه به مقام دل بست و نه مال و ثروتی اندوخت... با اینکه زمینه های فراوانی داشت اما تا پایان عمر آلوده به جامطلبی، مقام طلبی، قدرت گرایی و ثروت اندوزی نشد. در لندن به او پیشنهاد پادشاهی سودان داده شد... وی ایداً در خیال خودش نیست، نه طالب پول است و نه طالب شئونات، نه طالب امتیاز است، زاهدترین مردم است فقط می خواهد اسلام را بزرگ کند. نویسنده کتاب «از صبا تا نیما» می آورد: «سید جمال به مال دنیا اعتنایی نداشت و هر چه به دست می آورد، بذل دیگران می کرد». به نقل از: محمدرضا جواهری، حدیث بیداری مسلمین، انتشارات محقق، ص ۵۵؛ محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ص ۹۰؛ یحیی آرین پور، از صبا تا نیما، ج ۱، ص ۳۸۱.

مقالات جمالیه، به کوشش ابوالحسن جمالی، نشر اسلامی، ۱۳۵۷، ص ۱۶۶-۱۷۰.

بلاد به جوش و خروش می آمدند؛^۱ چرا که بستن هر یک از این قراردادها تضعیف موقعیت مسلمانان و در نتیجه ناکارآمدی سیاسی آنها را در پی داشته، سرانجام به بیچارگی و سلطه بیگانگان بر مقدرات جهان اسلام منجر می شود.

۴. جلوگیری از تکاثر ثروت

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم، نسبت به حقوق فقرا و محرومان در اموال اغنیا **﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾** **لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾** تصریح نموده است. گرچه برخی، این آیه شریفه را بر زکات تفسیر نموده‌اند، این معنا در روایتی از حضرت صادق **علیه السلام** در تفسیر آیه مذکور نفی و بر مقدار معلومی از مال که به فقرا انفاق می شود، تفسیر شده است. علامه طباطبایی نیز که این تفسیر را با سیاق آیه مناسب می‌داند،^۲ اغنیا را سبب به وجود آمدن فقر و محرومیت در جامعه می‌داند^۳ که در قیامت به همین جهت مؤاخذه خواهند شد^۴ چرا که ثروتمندان حق ندارند شرکای خویش را از اموال خودشان محروم سازند.^۵ از این رو، تبیین، تفسیر و تشریح این دسته از معارف، احکام و مقررات اسلامی در بعد اقتصادی از جمله تخصیص سقفی از درآمدهای مشروع در اسلام برای محرومان - در راستای تحقق تعادل و توازن اقتصادی در جامعه - به منظور جلوگیری از تکاثر و انباشته شدن ثروت جامعه در دست عده‌ای محدود، از رسالتهای خطیر و با ارزش مبلغان جهان اسلام بوده است؛ لذا آنان می‌توانند با ترسیم برنامه‌های اقتصادی اسلام در سطح جامعه، در بهبود وضع اقتصادی جامعه اسلامی که ارتقای موقعیت جهان اسلام را در پی دارد، سهم عمده‌ای داشته باشند.

تکاثر ثروت و انباشته شدن آن در دست عده‌ای خاص، به جهت مفاسد فراوانی که در

۱. برای مثال، بستن قراردادهای یک طرفه و سلطه‌گرانه از سوی دولت‌های اروپایی در ایران (زمان قاجار) سید را برآشفته است تا جایی که می‌گوید: «آنچه به زبان مسلمانان انجام داده است این است که قسمت عمده کشور و درآمد آن را به دشمنان فروخته...» (ابوالحسن جمالی، نامه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۵۳).

۲. معارج/ ۲۴ و ۲۵.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۷.

۴. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۰: «اغنیائهم یسرقون زاد الفقراء».

۵. «ان الله سبحانه فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء فما جاع فقیر الا بما متع به غنی والله تعالی سائلهم عن ذلك». نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۳۲۸.

۶. «ان الله تبارک و تعالی اشترک بین الاغنیاء و الفقراء فی الاموال فلیس لهم ان یصرفوها الی غیر شرکائهم» (حرعاملی، وسائل لشیعه، ج ۶، ص ۱۵۰).

ابعاد مختلف در جامعه در پی دارد^۱، ضمن اینکه از دیدگاه قرآن محکوم است^۲، عقل نیز آن را نمی‌پذیرد. این پدیده، به رویش بذر کینه، نفاق، دشمنی، تفرقه و جدایی در بطن جامعه منجر شده، به تدریج زمینه اضمحلال و نابودی جامعه انسانی را فراهم می‌کند.

رویکرد دوم: تاکتیکهای اتخاذی یک مبلغ (مبلغان) در راه رسیدن به هدف «وحدت جهان اسلام»

در این رویکرد، مبلغان می‌توانند با مراجعه به قرآن و سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و توجه داشتن به روش و منش مبلغان بزرگ جهان اسلام در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، در تداوم راه پیامبر اعظم ﷺ و ائمه معصوم (علیهم‌السلام) از تاکتیکهای آنها سرمشق گرفته و از تجربیات ارزنده آنها بهره گیرند؛ در این مجال اندک به اختصار به برخی از این تاکتیکها اشاره می‌کنیم:

۱. هجرت

تاریخ اسلام گویای این حقیقت است که از اساسی‌ترین و کاربردی‌ترین اصول و روشهای مبلغان دین، هجرت بوده است. این تاکتیک از صدر اسلام (هجرت مسلمانان به حبشه و هجرت پیامبر از مکه به مدینه) به کار گرفته شده و تاکنون، قابل استفاده و بهره‌وری بوده است^۳.

۲. تقیه^۴

۱. در بعد اجتماعی از قبیل: فساد، قساوت و موت قلب، عدم بصیرت و خلاصه به فساد کشیده شدن اخلاق و فرهنگ جامعه.

در بعد اقتصادی: گذشته از مفسدههایی که بر اقتصاد جامعه وارد می‌سازد، تنها یکی از آثار نامطلوب و خطرناک آن دو قطبی شدن جامعه است. در بعد سیاسی: این دسته از افراد ثروت خود را ابزار «حاکمیت سیاسی» و «هرم قدرت» به زیر کشیدن مردم قرار می‌دهند.

۲. ﴿أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ (تکاثر/ ۱ و ۲).

۳. شایسته است برای فهم موضوع به مسافرت‌های سازنده سیدجمال به ممالک اسلامی به اختصار اشاره شود:

* ۲۵۵ق: اصلاحات جدید در عثمانی؛

* ۲۶۴ق: ورود به قزوین؛

* ۲۶۶ق: ورود به تهران، عزیمت به سوی عراق و تحصیل در نزد شیخ مرتضی انصاری؛

* ۲۷۰ق: سفر به هند و هدایت قیام مردم هند علیه انگلیس؛

* ۲۷۷ق: ورود به ایران، از کربلا و نجف و رفتن به خراسان؛

* ۲۸۷ق: ورود به کابل؛

* ۲۸۲ق: سفر به تهران؛

* ۲۸۵ق: سفر به افغانستان؛

* ۲۸۶ق: ورود به هند، ورود به مصر و تأسیس دانشگاه دارالعلوم قاهره.

واژه «تقیه» از مفاهیم قرآنی و از ماده «وقایه» است که در لغت به معنای «حفظ و نگهداری چیزی از اذیت و آزار» است.

از آن جا که فراگیری و دانستن تاکتیک تقیه از بدیهی‌ترین، عادی‌ترین و در عین حال ضروری‌ترین رفتارهای سیاسی است، این تاکتیک که مشتمل بر تغییر رویکردی است، از جمله روش‌های قرآنی ارزشمندی است که انبیای الهی (علیهم‌السلام)؛ ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و دلدادگان حق و حقیقت، در پیشبرد اهداف و مقاصد ذات اقدس الهی در ادوار مختلف به آن دست برده و از آن بهره برده‌اند. از این رو، شایسته و بلکه ضروری است که مبلغان با مراجعه به قرآن و مطالعه حوادث تاریخ اسلام، میزان کارایی آن را دریابند و ناخواسته، خود سبب محرومیتشان از این تاکتیک ارزشمند نشوند.

۳. مردم‌گرایی

روی آوردن به سوی مردم و برقراری ارتباط تنگاتنگ با آنها، از جمله راهکارهای عملی مبلغان بزرگ جهان اسلام برای تحقق و انسجام اسلامی در رویکرد دومشان بوده است. بر این اساس، توصیه می‌شود مبلغان در هیچ شرایطی، این تاکتیک را در رسیدن به هدفشان از دست ندهند، بلکه در حفظ و تقویت آن، نهایت سعی را داشته باشند.

شهید مرتضی مطهری در این باره چنین می‌گوید:

«از خصوصیات برجسته سید جمال این است که در اثر آشنایی با جامعه شیعه و جامعه سنی... در جامعه تسنن به سراغ علما نمی‌رفت، بلکه مستقیماً به سراغ خود مردم می‌رفت»^۲.

۴. انقلابی‌گری

این تاکتیک با مؤلفه «براندازی» همراه است که در طول تاریخ مشروطه مواردی از آن به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، سید جمال در تمامی طول حیات خود برای تبیین مجدد اصول اسلامی تلاش نکرد و علاقه چندانی به نظریه‌پردازی در بیرون از

دیگران بود» می‌باشد (راغب اصفهانی، مفردات، تحقیق صفوان عدنان، ص ۸۸) و در اصطلاح عبارتست از: نگهداری خود (یا همکیشان) از ضرر غیر به واسطه موافقت کردن با او در قول یا فعل مخالف حق. سیدجعفر سبحانی، فرهنگ معارف اسلامی، چاپ کاویان، ج ۲، ص ۱۱۵.

۱. مانند: تقیه حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر بت پرستان با تمارض خویش، برای آغاز مبارزه بنیادی خود با آنان (صافات ۸۸-۹۷)؛

تقیه حضرت یوسف علیه السلام با نسبت دادن دزدی به برادرانش، برای نگهداشتن بنیامین در نزد خویش (یوسف/ ۷۰ و ۷۶)؛

تقیه اصحاب کهف با حفظ رازداری به هنگام تهیه آذوقه (کهف/ ۹، ۱۰ و ۲۰)؛

تقیه مؤمن آل فرعون با پنهان کردن ایمانش به منظور نجات موسی علیه السلام (غافر/ ۲۸).
مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، صدا، ۱۳۶۸، ص ۱۵-۱۶.

میدان عمل نداشت. بیش از آنکه نظریه پرداز باشد، مرد عمل بود، تا حدی که این کار (نظریه دادن پیش از عمل کردن) به نظر وی به معنای «قرار دادن گاو آهن در جلوی گاو بود»؛ لذا شور و شعف سید جمال برای مبارزه با استبداد و استعمار و داشتن روحیه انقلابی برای دستیابی به اهداف مقدسش (از جمله وحدت جهان اسلامی) در واژه واژه آثارش به چشم می خورد.

به امید روزی که، مبلغان راستین جهان اسلام، با باوری عمیق به آیین یأس زدای محمدی ﷺ و سنتهای حاکم بر جهان و با بینش صحیح نسبت به معارف و حقایق ناب اسلام و با در نظر گرفتن مصالح آن، با عزمی راسخ و تلاش و جدیتی مستمر، اقتدار، عزت و عظمت اسلام را به جهان اسلام بازگردانند تا دیگر شاهد این همه جنایت در جای جای ممالک و اراضی مسلمانان نباشیم.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. اسدآبادی، سید جمال الدین، مجموع مقالات العروة الوثقی، به کوشش هادی خسروشاهی.
۳. _____، رساله نیچریه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۴. اسدآبادی، سید جمال الدین، عروة الوثقی، ج ۱، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، حجر، بی تا.
۵. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، سید جمال؛ جمال حوزه ها، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۶. جواهری، محمدرضا، حدیث بیداری مسلمین، مشهد، محقق، ۱۳۷۷.
۷. حائری، عبدالهادی، سید جمال الدین و ریشه های واپس گرایی در جهان اسلام.
۸. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۶، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۰.
۹. رابرتسون، دیوید، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، نشر البرز، ۱۳۷۵.
۱۰. راغب اصفهانی، مفردات، تحقیق صفوان عدنان، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۱. سبحانی، سیدجعفر، فرهنگ و معارف اسلامی، چاپ کاویان.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۱۱، قم، اسماعیلیان، بی تا.
۱۳. طباطبایی، محمد محیط، نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۱۵. یت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.

۱۶. کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، نوین.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۴، کتاب الایمان والکفر، باب التراحم و التعاطف، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اهل البیت، ۱۳۴۸.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۴، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. مجموعه اسناد و مدارک چاپنشده درباره سید جمال الدین، جمع آوری و تنظیم: اصغر مهدوی و ایرج افشار.
۲۰. مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۱. _____ بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، تهران، صدرا، بی‌تا.
۲۲. _____ یادنامه علامه امینی، الغدیر و وحدت اسلامی.
۲۳. _____ انسان و سرنوشت، قم، صدرا، ۱۳۷۳.
۲۴. ناظم الاسلام کرمانی، محمدعلی، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، نوین، ۱۳۶۲.
۲۵. البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین، ۱۳۷۹.